


Royal Celebrations and Political Legitimacy: A Case Study of Pahlavi era in Iran

Nasrin Mosaffa *  Professor, Department of International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract


A perusal of global history signifies the role that commemorations and celebrations about the longevity of reigning in monarchies. There are examples of it in Iran and beyond that. While such events cannot be categorized amongst the expectations form political systems (such as dignity and welfare for citizens), but they could be analyzed within the framework of conduct of the political systems. At its third level, as symbolic capacity, it strengthens other capacities such as extractive, responsive, distributive and regulative. This article seeks to analyze the relationship between the organization of monarchical celebrations, specifically marking their reign, and the legitimacy of the political system. In turn, it influences its actions, through input, demands, and support, and its interactions with the domestic and international spheres. Within the framework of structural-functional theory, this article analyses political legitimacy in light of such celebrations and its impact on strengthening the top of the system. In doing so, it will analyze the Pahlavi's celebration of 2500 years of monarchy in Iran and its fiftieth anniversary by relying on range of sources, including archives.

Key words: Political Legitimacy, Monarchies, Symbolic capabilities, monarchical celebrations, Iran's Political History

* Nmosaffa@ut.ac.ir

How to Cite: Mosaffa, N. (2022). National Ceremonies and Political Legitimacy: 2500 Years of Imperial Celebrations. State Studies, 8(30), -. doi: 10.22054/TSSQ.2022.70195.1329

جشن‌های سلطنتی و مشروعیت سیاسی: مطالعه موردی ایران عصر پهلوی

نسرین مصفا*  استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

مروری بر تاریخ سیاسی جهان روایت‌گر برگزاری جشن‌های گرامیداشت و ارزش‌نهادن به مدت زمان طولانی سلطنت حاکمان در نظام‌های پادشاهی است. نمونه‌هایی از این جشن‌ها را می‌توان در تاریخ ایران و جهان را یافت و آنها را مورد بررسی قرارداد. این جشن‌ها در زمره انتظاراتی که از هر نظام سیاسی برای فراهمی زندگی توأم با رعایت حقوق و کرامت انسانی، رفاه فردی و اجتماعی برای شهروندان وجود دارد، نمی‌گنجد، ولیکن در چارچوب اعمال سطح سوم نظام قابل تحلیل است. سؤال اصلی مقاله آثار برگزاری جشن‌های سلطنتی، در مناسبت‌های گرامیداشت سال‌های سلطنت حاکمان و رابطه آن با مشروعیت آنان و نظام‌های سیاسی می‌باشد؟ به عبارت دیگر اهمیت و نقش طول دوره حکمرانی که زمینه برگزاری جشن گرامیداشت است، بر مشروعیت حاکمان و نظام سیاسی چیست و به چه عواملی وابسته است؟ دیگر آنکه برگزاری این جشن‌ها را در چارچوب کدامیک از سطوح اعمال و توانایی‌های نظام سیاسی می‌توان تحلیل کرد؟ همچنین این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا برگزاری این جشن‌ها که با صرف هزینه‌های هنگفت مالی و انسانی، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی به اشکال مختلف و با ابزارهای گوناگون همراه است، برای سرور و شادمانی مردم در مملکت است یا نتیجه‌ای برای بهبود وضعیت زندگی آنان و مشروعیت حاکم و نظام سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی خواهد داشت؟ نمونه‌های تاریخی از برگزاری این جشن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد. اهمیت مقاله در توجه همه جانبه به مشروعیت سیاسی در فراهمی زمینه اعمال نظام سیاسی از ورود تقاضا همراه با پشتیبانی تا انجام فعالیت‌های آن در تعامل با محیط داخلی و بین‌المللی است. این پژوهش برپایه درک سه مفهوم، نظام سیاسی و تحلیل آن بر مبنای نظریه ساختاری عملکردی، مشروعیت سیاسی، سلطنت موروثی و همچنین تحلیل فرایند و نتایج برگزاری جشن‌های سلطنتی دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ در ایران استوار است. فرضیه آن است که جشن‌های سلطنتی به عنوان جلوه‌ای از توانایی نمادین که هدف آنها بهره‌مندی از "مدت زمان حکمرانی فرد و یا سلسله حاکم برای مشروعیت‌بخشی حاکم و نظام سیاسی باشد، به دلیل عواملی چند تأثیرگذار نمی‌باشند. پژوهش از نوع کیفی است که به روش توصیفی تحلیلی اسناد تاریخی و منابع

نسرین مصفا | ۱۹۹

کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: مشروعیت سیاسی، نظام سیاسی پادشاهی، توانایی نمادین، جشن‌های سلطنتی، تاریخ

سیاسی ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زمینه جویی

مروری بر تاریخ سیاسی جهان روایت گر برگزاری جشن‌هایی توسط حاکمان نظام‌های سیاسی در ادوار مختلف به مناسبت‌های متفاوت از منظر ماهیت، شکل، هدف، و آثار آنهاست. یکی از زمینه‌ها و مناسبت‌های قابل عنایت برگزاری جشن‌های گرامیداشت مدت زمامداری حکمران و گاه سلسله منتسب، در نظام‌های پادشاهی است. از منظر آنان این مشخصه به دلایلی برای برگزاری جشن بزرگداشت مهم و اهدافی را برای انجام آن متصور هستند. یکی از آنها می‌تواند بهره‌مندی از فرایند و نتایج آن به عنوان یک عامل تأثیرگذار در بازشناخت و مشروعیت‌بخشی شخص حاکم و نظام سیاسی، در کنار دیگر موارد باشد.

نمونه برگزاری این گونه جشن‌ها در تاریخ ایران و دیگر کشورها وجود دارد. در انظار است که مدت زمان دوام دوره زمامداری، پادشاه یا ملکه عامل مهم در ذهن فرمانبرداران برای ارزیابی قدرت و شکوه سلطنت آنان است و می‌تواند آثاری داشته باشد. مورخین با تکیه بر همین ویژگی "زمان طولانی" حکمرانی که از طرفی امکانی جهت خدمت به مردم جامعه بدست می‌دهد، و از طرف دیگر محتمل است موجب نابسامانی در اداره امور شود، تحلیل و گاه به اصطلاحاتی مانند "عصر سلسله"، "عصر پادشاه" یا "عصر ملکه" متوسل و وقایع و رویدادها را به نام و عصر آنان در تاریخ ثبت می‌کنند. البته برگزاری این جشن‌ها در زمره انتظاراتی که از سلاطین و حکمرانی آنان برای فراهمی زندگی توأم با رعایت حقوق و کرامت انسانی، رفاه فردی و اجتماعی برای شهروندان وجود دارد، نمی‌گنجد، ولیکن در چارچوب اعمال هر نظام سیاسی با توجه به ماهیت و نتایج آن قابل تحلیل است.

نظام‌های سیاسی در چارچوب نظریه دیوید ایستون برای انجام وظایف خود، دارای مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در سه سطح اعمال می‌باشند (Easton, ۱۹۶۵). در نظریه فوق می‌باید اهمیت مشروعیت سیاسی را در فراهمی زمینه اعمال نظام سیاسی از ورود تقاضا و همراه با پشتیبانی تا انجام فعالیت‌های آن مهم در نظر گرفت و چگونگی نتایج اعمال و توانمندی نظام سیاسی در چرخه مشروعیت، کارایی، مشروعیت آن را مؤثر دانست.

سؤال اصلی مقاله حاضر، آثار برگزاری جشن‌های سلطنتی، در مناسبت‌های گرامیداشت سال‌های سلطنت حاکمان و رابطه آن با مشروعیت آنان و نظام‌های سیاسی می‌باشد؟ به

عبارت دیگر اهمیت و نقش طول دوره حکمرانی که زمینه برگزاری جشن گرامیداشت است، در مشروعیت حاکمان و نظام سیاسی چیست و به چه عواملی وابسته است؟ دیگر آنکه برگزاری این جشن‌ها را در چارچوب کدام یک از سطوح اعمال و توانایی‌های نظام سیاسی می‌توان تحلیل کرد؟ همچنین این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا برگزاری این جشن‌ها که با صرف هزینه‌های هنگفت مالی و انسانی، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی به اشکال مختلف و با ابزارهای گوناگون همراه است، برای سرور و شادمانی مردم در مملکت است یا نتیجه‌ای برای بهبود وضعیت زندگی آنان و مشروعیت حاکم و نظام سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی خواهد داشت؟ نمونه‌های تاریخی از برگزاری این جشن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد. ناصرالدین شاه قاجار (سلطان صاحبقران) در پنجاهمین سال سلطنت طولانی خود در ۱۳۱۳ ه.ق، مجموعه فعالیت‌هایی را برای گرامیداشت آن برنامه‌ریزی کرد. نمونه‌هایی دیگر در سطح بین‌المللی مانند جشن شصتمین سال سلطنت ملکه ویکتوریا در بریتانیا در سال ۱۸۹۷ میلادی، و متاخرترین آن، جشن هفتاد سالگی سلطنت ملکه الیزابت دوم در بهار سال ۲۰۲۲ میلادی در کشور مذکور است. مطالعه موردی این پژوهش جشن‌هایی است که توسط پهلوی دوم، در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ ه.ش در ایران: جشن بیست و پنج سالگی سلطنت، ۱۳۴۵ ه.ش، جشن تاجگذاری شاهنشاهی، ۱۳۴۶ ه.ش، جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در ایران، ۱۳۵۰ ه.ش و جشن پنجاه سال سلطنت سلسله پهلوی در ۱۳۵۵ ه.ش است. از عنوان این جشن‌ها در سه مورد توجه به قدمت حکمرانی به عنوان نمادی برای زمینه برگزاری آنها مستفاد است. فرضیه آن است که جشن‌های سلطنتی به عنوان جلوه‌ای از توانایی نمادین که هدف آنها بهره‌مندی از "مدت زمان" حکمرانی فرد و یا سلسله حاکم برای مشروعیت‌بخشی حاکم و نظام سیاسی باشد، به دلیل عواملی چند تأثیرگذار نمی‌باشند.

پاسخ به این سوالات، در این پژوهش بر سه پایه نظری و همچنین مطالعه موردی جشن‌های مذکور در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ ه.ش، در ایران استوار است: پایه اول، توجه به نظام‌های سیاسی در چارچوب نظریه دیوید ایستون برای انجام وظایف

است، که دارای مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در سه سطح اعمال می‌باشند (Eastoa, ۱۹۶۵). در تجزیه و تحلیل اجمالی، نظام سیاسی بر مبنای نظریه ساختاری-عملکردی^۱، در سطح سوم اعمال آن، پنج توانایی تنظیمی^۲، توزیعی^۳، استخراجی^۴، پاسخگویی^۵ و نمادین^۶ به عنوان خروجی نظام سیاسی پذیرفته شده‌اند (powell and Almond, ۱۹۰: ۱۹۶۶-۲۱۳). هر کدام از این توانایی‌ها به نوبه خود مهم، در عین حال مکمل یکدیگر در عملکرد نظام‌های سیاسی جهت افزایش کارایی و تداوم مشروعیت برای حفظ و تطبیق و ادامه حیات آن تأثیرگذارند. در این میان، توانایی نمادین، اثر ملموس ندارد و با هدف تقویت مشروعیت نظام سیاسی بر مبنای نمادها، ارزشها و اعتقادات برای انجام بهتر توانایی‌های دیگر، از آن استفاده می‌شود. در این امر فرهنگ سیاسی جامعه، ایدئولوژی حاکم و ارزش‌های حاکمان، اعتقادات مردم، چگونگی بهره‌گیری از آنها در پرتو قدرت سیاسی، توان اقتصادی نظام در اجرای برنامه‌ها، اعتبار منابع مشروعیت نظام سیاسی و راه‌های حفظ و تقویت آن برای تحلیل مهم هستند.

پایه دوم، بررسی مشروعیت سیاسی، شناخت، انواع، منابع و وجوه تبلور آن است. مشروعیت سیاسی^۷ در تمام دوران‌های تاریخی به صور گوناگون و به عنوان کیفیت قدرت فرمانروایان در ارتباط با فرمانبرداران خود مطرح و به مقتضای محیط دستخوش تحول بوده است. این مفهوم در طول تاریخ تفکرات سیاسی با توجه به مجموعه شرایط محیطی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظام ارزشی حاکم) منضم به دیگر مفاهیم سیاسی مطرح و بررسی سیر تفکرات سیاسی بیانگر اهمیت آن است.

سومین پایه، توجه به جایگاه نهاد سلطنت موروثی پادشاهی به عنوان یکی از اولین اشکال نهادهای سیاسی است که در آن قدمت یک سلسله یا طول زعامت پادشاهان و ملکه‌ها،

1. structuralism Functional
2. Regulative
3. Distributive
4. Extractive
5. Responsive
6. Symbolic

۷. بخشی از مطالب مطرح شده در بررسی مشروعیت سیاسی این مقاله برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اینجانب در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است که به راهنمایی استاد دکتر محمد رضوی تدوین و در سال ۱۳۶۳ دفاع شده است.

بطور معمول مهم و از مؤلفه‌های مشروعیت و یا مشروعیت‌بخشی بر اساس آنچه که در تاریخ ثبت است به حساب می‌آید. تاریخ جهان روایت‌گر برگزاری جشن‌ها توسط سلاطین با تأکید بر عمر سلسله نظام‌های پادشاهی، یا پاسداشت آغاز و پایان آن نیز هست.

برگزاری جشن‌های مورد مطالعه، نمونه قابل توجه در بررسی و تحلیل از منظر توانایی نمادین نظام سیاسی ایران در زمان پهلوی دوم است که آثار آنها بر مشروعیت نظام در آن زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش از نوع کیفی است که طریق توصیف و با روش پژوهش تحلیل اسناد، نوشته‌ها و ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است.

در پیشینه پژوهش باید مطرح کرد که در اغلب نوشته‌هایی که توسط پژوهشگران درباره تاریخ سلطنت پهلوی به رشته تحریر در آمده‌اند، برگزاری این جشن‌ها به ویژه جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی نیز از ابعاد مختلف توجه مبذول و اکثراً نگاهی انتقادی به آنها وجود دارد. از جمله می‌توان به موارد ذیل مراجعه کرد:

لقمان دهقان نیری و حورا شجاعی در مقاله‌ای با عنوان "بازنگری در جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در ایران" به برگزاری این جشن توسط شاه با هدف جستجوی راهی برای تداوم حکومت و سلطه بر مردم ایران اشاره کرده‌اند. به باور آنان این هدف با تشکیل نهادها از جمله بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان ایران، تأسیس سازمان اسناد ملی و با ترغیب مردم به فرهنگ باستانی و فعالیت‌های هم راستا با آن دنبال شد.

حسن زندیه و علی قنوتی با نگارش دو مقاله با عناوین "بازتاب و پیامدهای خارجی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی" و همچنین "مخالفت‌های داخلی با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، چرا و چگونه" به پژوهش درباره این جشن همت گمارده‌اند. در مقاله اول به بررسی پیامدهای خارجی آن توجه و از اهداف اصلی برگزاری کسب وجه بین‌المللی برای رسیدن به عنوان ژاندارمی منطقه را بیان کرده‌اند. در مقاله دوم، یکی از اصلی‌ترین اهداف محمدرضا شاه را از برگزاری این جشن، کسب مشروعیت برای حکومت خود عنوان کرده که از طریق تحریک حس ناسیونالیستی مردم جهت شرکت گستره در این جشن اقدام، ولیکن ناکام و عاجز از حضور مردم و کسب مشروعیت شد. به قلم فواد پورآرین و هادی دل آشوب مقاله‌ای با عنوان "انگیزه‌ها و اهداف برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی" منتشر شده است. به زعم آنان جشن‌های دو

هزار و پانصد ساله عظیم‌ترین برنامه تبلیغی و کاربردی دستگاه سلطنت پهلوی بود. هدف از برگزاری آن اصالت‌دادن تاریخی به حکومت شاهنشاهی در ایران، احیای ارزش‌های باستانی آریایی، کنار زدن فرهنگ اسلامی و کسب اعتبار و جبهه بین‌المللی برای شاه بود. در جستجو برای پژوهشی در زمینه جشن تاجگذاری، «واکنش نیروهای مذهبی به جشن تاجگذاری پهلوی دوم با تأکید بر مواضع امام خمینی (س)» عنوان مقاله‌ای است که سید محمودسادات بیدگلی و رضا بیگلو ضمن توصیفی از برگزاری جشن تاجگذاری، هدف آن را مشروعیت‌سازی از طریق باستان‌گرایی برای شاه و فرح پهلوی در مقام نایب السلطنه، بیان کرده و مخالفت‌ها با انجام آن را به ویژه از طرف جامعه روحانیت و مواضع امام خمینی (س) با استناد به مدارک و شواهد متعدد مورد تبیین قرار داده‌اند.

کوشش دقیق سیدمحمودسادات بیدگلی و مریم مدنی جاوید در مقاله‌ای با عنوان «تغییر مبدا تقویم از هجری شمسی به شاهنشاهی در دوره محمدرضاشاه» با استفاده از اسناد و مدارک بسیار در موضوع قابل عنایت است، در متن مقاله به اهداف و روند تغییر این تاریخ که در اولین روز جشن بزرگداشت پنجاه سال سلطنت پهلوی اعلام شد، اشاره و توصیفی از جشن با تأکید بر ویژگی‌های آن در کنار بیان واکنش‌ها در برابر این تغییر و همچنین هدف پهلوی دوم در راستای تأکید بر ادامه نظام پادشاهی و تقدیر از اقدامات سلسله پهلوی به عمل آمده است.

وجه مشترک این پژوهش‌ها، تأکید بر استفاده از ابزار باستان‌گرایی در ایران، برانگیختن احساسات ناسیونالیستی مردم، تلاش برای کسب مشروعیت، عدم توجه به واقعیات جامعه ایران، تحلیل مخالفت‌ها با برگزاری آنها به دلیل مغایرت با دین اسلام، انتقاد نسبت به صرف هزینه‌های فراوان مالی برای برگزاری این جشن‌ها می‌باشد.

ولیکن در باره دغدغه اصلی پژوهش حاضر که در پی چیستی رابطه میان اهمیت توجه به طول زمان سال‌های سلطنت پهلوی دوم و سلسله پادشاهی پهلوی که زمینه برگزاری جشن‌ها بود، و اثر آن بر مشروعیت نظام سیاسی پهلوی تحلیلی وجود ندارد. تلاش این پژوهش برای یافتن این چیستی است.

ساماندهی مقاله نیز چنین است. پس از زمینه‌جویی، در بخش اول مفهوم مشروعیت سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم، توانایی نمادین نظام‌های سیاسی و جلوه‌های آن در چارچوب نظریه ساختار عملکردی تحلیل می‌شود. سپس در تبیین

مطالعه موردی، کوتاه درباره جشن‌های گرامیداشت سال‌های سلطنت و برخی از موارد تاریخی سخن به میان آمده و سپس سیمایی از برگزاری جشن‌های دهه پنجاه در ایران با ویژگی‌ها و آثار آن مطرح خواهد شد. مقاله با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

۱- بررسی مشروعیت سیاسی^۱

بررسی کلی تاریخ سیاسی جهان از نخستین مراحل بنیاد حکومت‌ها تا به امروز نشانگر این واقعیت است که فرمانروایان و حکومت‌ها برای حفظ و دوام حاکمیت خود در پی مشروع و برحق جلوه دادن قدرت خویش نزد فرمانبرداران و دیگر حکومت‌ها بوده‌اند. تمایل به این امر در جوامع انسانی ریشه عمیق دارد به نحوی که مشکل بتوان حکومتی را یافت که از این مسئله یعنی ایجاد اعتقاد به مشروعیت نظام در ذهن مردم خویش برای به قدرت رسیدن، شناسائی، بوجود آوردن و تقویت اعتماد و اطمینان نسبت به حکومت خود استفاده نکرده و یا سعی در بدست آوردن آن می‌دول نداشته باشد. این امر خواسته‌گایی هر فرمانروا و نظام سیاسی است و به طریق مختلف از ایجاد اعتقاد در ذهن فرمانبرداران و کسب رضایت آنان تا استفاده از قهر و اجبار برای ادامه حکومت و تثبیت

۱. ریشه‌یابی واژه مشروعیت Etymology, واژه Sternberger Dolf, "International Legitimacy", Scince Social of Encyclopedia

۱۷. Inc, Macmillan and Crowell York: New oo Is. ۱۹۶۸, ۹ oo 1 (۲۴۶P.)

Legitimus یک لغت لاتین قدیمی و شکل دیگر آن Legitimitas است و به نظر می‌آید که اولین بار در قرون وسطی مصطلح شده باشد. در مفهوم رومی به معنای قانونی و یا منطبق بر قانون می‌باشد. در عین حال که این اصطلاح در زمینه‌های حقوقی و قضائی به کار می‌رفته، معنای سیاسی نیز داشته است. سیسرون فیلسوف و خطیب رومی اصطلاحات Legitimus imperium و Potestas Legitima را در مورد قدرت، امر و یا دستور وضع شده به وسیله قانون را به کار می‌برد. در واقع لزوم سیسرون این لغت را در مورد جانشینی در سلسله‌ها نیز به کار می‌برد. معنای قرون وسطی این مفهوم با هر چیزی که مطابقت با عادت و روندهای عرفی و سنتی کند همراه است. در این زمان لغت به اشخاص نیز اطلاق می‌شود: چهار نفر شخص با صلاحیت که به وسیله رضایت عموم برای اجرای اعمال قضائی انتخاب می‌شوند. اصطلاحات Legitima auctoritas به معنای اقتدار قانونی و Legitima potestas قدرت قانونی خلاف Usuraptia Tyramnica نوع غاصبانه به دست آوردن قدرت می‌باشد. در این موارد این لغت به عنصر قانون اساسی در حکومت اشاره می‌کند. در سال ۱۳۳۸ میلادی در انتخاب امپراطور در باواریا، لوئی باواریا، قانونگذار مشروع را شخصی می‌داند که به وسیله مردم و روند انتخابات تعیین می‌شود. در اینجا لغت به معنای امروزی خود با اضافه کردن عنصر رضایت نزدیک می‌شود.

وضع خود در صدد نیل به آن برمی‌آیند. از طرفی فرمانبرداران، خواستار برآوردن نیازهای مادی و معنوی خود از طرف حکومت می‌باشند.

مشروعیت سیاسی در تمام دوران‌های تاریخی به صورگوناگون و به عنوان کیفیت قدرت فرمانروایان در ارتباط با فرمانبرداران خود مطرح و به مقتضای محیط دستخوش تحول بوده است. این مفهوم در طول تاریخ تفکرات سیاسی با توجه به مجموعه شرایط محیطی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظام ارزشی حاکم) منضم به دیگر مفاهیم سیاسی مطرح و بررسی سیر تفکرات سیاسی بیانگر این واقعیت است. البته با گذشت زمان مفاهیم و تعاریف تحول یافته‌اند که معانی آنها را فقط با آگاهی از نوع نهادهای سیاسی و فضای اجتماعی و سیاسی هر عصر می‌توان جستجو کرد. مثلاً دولت شهر یونانی به قدری با جامعه‌های سیاسی زمان ما متفاوت است که تصور زندگی در آن برای مردم دوران حال مشکل می‌نماید.^۱ در تفکرات سیاسی فلاسفه یونان و اندیشمندان قرون وسطی، مشروعیت به‌عنوان یک مفهوم روشن و مستقل مطرح نمی‌گردد. بلکه بیشتر با مفاهیم مربوط به ماهیت دولت، کیفیت زمامدار، حکومت‌های خوب و بد، الگوهای حکومت ایده‌آل، و قانونیت^۲ (قانونی بودن) در هم آمیخته است.

در دوران بعد از قرون وسطی و همراه با نظریات حاکمیت مردم، مشروعیت سیاسی در قالب مباحث مربوط به تشکیل دولت، رضایت، قرارداد اجتماعی، بیان می‌شود. طرح حکومت مبتنی بر موافقت و رضایت، مشروعیت مدنی را بیان می‌کند. در قرن نوزدهم ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی، مشروعیت سیاسی را با بررسی مفاهیم سلطه مشروع و آمریت در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی خود مطرح می‌کند ((Spence, ۱۹۷۰). پس آن است که مشروعیت بیشتر به‌عنوان یک بحث مستقل در نظریات اندیشمندان معاصر به میان می‌آید. البته باز هم برای بررسی آن باید به ادبیات مربوط به اجتماع، کارآئی، اعتماد و اطمینان، پشتیبانی، اطاعت، قبول، وفاداری مراجعه کرد. بنابراین تعریف مشروعیت سیاسی با مفاهیم متعدد، متنوع و مرتبط به هم در تفکرات سیاسی مانند دولت،

۱. برای آگاهی از چگونگی و موقعیت دولت شهر یونانی مراجعه شود به:

Mallinson N. by, Trnslated institutions, its nnd City Greek The Clotz, Gustare (۱۹۹۹ Powel, nnd Kegan London:)

2 Legality .

فرمانروا، قدرت، آمریت، رضایت و اطاعت و غیره که ذکر آنها رفت، همراه است. حال با ذکر این تعریف، از مشروعیت به تبیین بیشتر آن می‌پردازیم: «مشروعیت پایه آن قدرت فرمانروائی است که، در رژیم معین، با آگاهی فرمانروایان از حق فرمانروائی خود از یکسو و بازشناخت این حق بوسیله فرمانبرداران از سوی دیگر اعمال می‌شود» (Sternberger, ۱۹۶۸: ۲۴۶).

بر اساس تعریف فوق در یک نظام سیاسی معین:
اولاً - مشروعیت سیاسی مبتنی بر وجود یک رابطه قدرت میان فرمانروایان و فرمانبرداران می‌باشد.

حال برای ما این سؤال مطرح می‌شود که این رابطه چه نوع رابطه‌ای است و کیفیت آن به چه نحو است؟ قدرت مشروع کدام است؟ ثانیاً - اعمال قدرت فرمانروایان با آگاهی از حق فرمانروائی خود صورت می‌گیرد. در این ارتباط، این پرسش مطرح می‌شود که این اعمال قدرت بر چه مبنا صورت می‌گیرد؟ به بیان دیگر منشأ حق فرمانروائی آنها چیست؟ آیا قدرت فرمانروایان و حق حکومت ناشی از مردمی است که بر آنها حکومت می‌کنند، یا اراده مافوقی منشأ این حق است؟

بر اساس این حق است که حکومت فرمانروایان میسر می‌شود و هر آنگاه که لازم آید، فرمانروا یا فرمانروایان صاحب حق برای توجیه فرمانروائی خود به آن متوسل می‌شوند. پاسخ این پرسش‌ها را می‌توان در مباحث مربوط به منابع مشروعیت حکومت‌ها یافت. انواع مختلف منابع مشروعیت سیاسی را نیز می‌توان در یک طبقه‌بندی کلی جای داد:

الف - مشروعیت الهی

ب - مشروعیت مدنی^۱

ثالثاً: پذیرش اعمال چنین قدرتی از جانب فرمانبرداران با میزانی از بازشناخت از طرف آنها همراه است.

این پرسش مطرح می‌گردد که بازشناخت فرمانبرداران چگونه به وجود می‌آید و بر پایه کدام معیارها مبتنی است؟ این مسئله به فرمانبرداران اعتماد و اطمینان نسبت به فرمانروایان

1. legitimacy Civil .

می‌دهد و زمینه مساعد و مناسب را برای حکومت آنها مهیا می‌سازد. بازشناخت فرمانبرداران بستگی زیاد به درک آنها از حکومت به‌عنوان منعکس‌کننده خواسته‌های خود و مرتبط به ارزش‌ها و اعتقادات یک جامعه به مقتضای مکان و زمان می‌باشد. بازشناسی مردم نسبت به اعمال قدرت فرمانبرداران در قالب دو دسته ارزش‌ها صورت می‌گیرد:

الف - ارزش‌هایی که به روی مجموعه به‌خصوص از روحيات و اخلاقیات و معنویات جامعه تکیه دارند.

ب - ارزش‌هایی که بر اساس کارآئی و مؤثر بودن سیستم حکومتی شکل می‌گیرند. در هر نظام سیاسی بطوری که موقعیت طلب می‌کند، فرمانروایان برای قبول احکام و نهادهایی که به وسیله آن فرمان می‌رانند به میزانی اقناع، دستکاری، زور، و یا سنت متوسل می‌شوند و فرمانبرداران با عکس‌العمل‌های روانی متفاوت فرمان آنها را گردن می‌نهند. تقسیم‌بندی‌هایی در مورد نظام‌های سیاسی بر مبنای فنونی که رهبران و نظام برای حفظ و قدرت و مشروعیت خود بکار می‌برند وجود دارند (Finer, ۱۹۷۱: ۴۵۴).

رضایت فرمانبرداران یکی از مهمترین مؤلفه‌هایی است که بر اساس آن مشروعیت نظام‌های سیاسی را می‌توان تحلیل کرد. این رضایت ممکن است از طریق اجتماعی شدن ارزش‌ها، که بستگی به تعلیم و تربیت و تجربیات اجتماعی دارد، فراهم شود. در هر نظام سیاسی، فرمانروایان برای ادامه حکومت خود از طریق جامعه‌پذیری سیاسی، در مدرسه و سایر مراجع، هدف مشترک که تسلط بر اندیشه و یا حداقل تحت تأثیر قرار دادن آنها باشد را دنبال و سعی می‌کنند از طریق تلفیق معیارها و ارزش‌های مورد نیاز خود برای حکومت خویش تابعین خوبی را پرورش دهند. این بازتولید نیروی فرهنگی یک نیروی ذخیره عظیم برای فرمانروائی فرمانبرداران است. بازتولید فرهنگی شامل سازکارهایی است که می‌تواند ذخیره قابل ملاحظه‌ای برای مشروعیت دولت نگاه دارد. بازتولید فرهنگی می‌تواند ذخیره قابل توجهی از احساس مشروعیت نسبت به نظام سیاسی را در درون عده‌ای نگهداری و اجازه تولید نیروی عظیم‌تری را برای پشتیبانی از وضع موجود

-
1. Persuasion
 2. Manipulation

را بدهد. به بیان دیگر می‌توان گفت که بازتولید فرهنگی زمینه مشترک و یک زبان قابل فهم برای فرمانروایان و فرمانبرداران است. این بازتولید در هر کدام از نظام‌های سیاسی به مقتضای شرایط، وظایف خود را انجام می‌دهد. در اینجا به تبیین قدرت مشروع یا آمریت^۱ می‌پردازیم.

هر نظام و سازمان سیاسی قابل دوام بر میزان مشخص و مطمئنی از اطاعت داوطلبانه و یا انگیزه و نفی برای اطاعت فرمانبرداران خود حساب می‌کند. این مسئله به فرمانروایان اجازه فرمانروائی می‌دهد و مشخص‌کننده ارزش و مشروعیت نظام سیاسی می‌باشد. ماکس وبر^۲ بحث مفصلی را در این زمینه ارائه می‌دهد:

وبر قدرت را به عنوان توانائی فرد در تحمیل اراده خود بر دیگران علی‌رغم مقاومت آنها تعریف می‌کند و سپس در داخل این مفهوم موسع دو نوع قدرت را از یکدیگر تشخیص می‌دهد. از یک سو قدرتی که از اطاعت فرد از «مصدر قدرت» از سودجویی ناشی می‌شود و از سوی دیگر قدرتی که بر پایه اقتدار یا آمریت استوار است. یعنی چنان رابطه فرمانروائی - فرمانبرداری که مصدر قدرت فرمانروائی را به عنوان حق تلقی می‌کند و قلمرو قدرت فرمانبرداری را وظیفه می‌شناسد. فرمانروای صاحب اقتدار مدعی داشتن قدرت مشروع برای فرمان دادن است و از این رو انتظار دارد که پیروان از فرمان‌های او اطاعت کنند. در نظر وی فرمانبری فرمانبرداران مهم‌ترین رکن رابطه فرمانروا و فرمانبرداران است و به بیان دیگر چرا مردم از حکومت اطاعت می‌کنند؟ دلایل اطاعت مردم چیست؟ در جواب، مطرح می‌شود که مهم‌ترین عاملی که مردم را به اطاعت وادار می‌کند، همان معنا و مفهومی است که آنان به عنوان عامل عمل اجتماعی برای اطاعت از فرمان‌های حکومت قائلند و این تصور اساس مشروعیت نظام سیاسی و اقتدار فرمانروایان است.^۳ به نظر وی شناخت اقتدار پراهمیت‌ترین و اساسی‌ترین جنبه اجتماع سیاسی است.

1. Authority

۲. برای آگاهی از نظریات ماکس وبر در مورد مشروعیت می‌توان به کتب زیر مراجعه کرد:

Gerth H. H. translated and Edited Sociology, in Essays Weber; Max From ۱/۱
(1967 Ltd, Powel Kegan and Routledge London:) lills, C.Wright and
translated organization, Economic and Social of eoryth The Weber, Max ۲/۱
(1964 Press, Free The York: New) Parsons, Talcott and Henderson A.M.

3. Kings of Rights viv ine .

انواع اقتدارهای سیاسی ملاک شناخت نظام سیاسی از یکدیگر می‌باشد. در ارتباط با منابع مشروعیت می‌توان به منبع مشروعیت الهی و مشروعیت مدنی برای نظام‌های پادشاهی توجه نمود.

۱- مشروعیت الهی

از قدیمی‌ترین روزگار تا به امروز، نمونه‌های متعدد از حکومت‌هایی که خود را بر اساس ریشه الهی حاکمیت‌شان مستحق برای فرمانروائی می‌دانند، وجود دارد. آمریت این حکومت‌ها، دارای یک مبدأ و منشأ (الهی) است و دارای حرمت مقدسی می‌باشند. امپراطوری‌های دنیای قدیم، مانند چین باستان، مصر و بسیاری از امپراطوری‌های شرق به‌طور معمول دارای این چنین حکومت‌هایی بوده‌اند. این امپراطوری‌ها به‌وسیله یک پادشاه که خدا هم بود، اداره می‌شد. فرمانروایان این حکومت‌ها، ادعای الهی بر نظارت و کنترل امور تابعین خود را داشتند. این حق الهی بندرت از طرف فرمانبرداران مورد سوال بود (I Gettel, ۱۹۷۱: ۷۱). فراعنه در مصر مظهر و تجلی خدا بودند. پادشاهی فراعنه در مصر بهترین نمونه نظریه تسلط خدا پادشاه بود.

ریشه الهی پادشاهان می‌بایست از احضار الهی پادشاهان مورد تمایز قرار گیرد. در احضار الهی پادشاهان، فرمانروایان خود از ابناء بشرند که برای سلطنت فراخوانده شده‌اند و نماینده خدا بر روی زمین هستند. تبلور این نظریه در قرون وسطی در اروپاست. اصول مباحث قرون وسطی برای سلطنت بر روی این عقیده تکیه داشت که بهشت آسمانی هم دارای حکومت سلطنتی است و حکومت‌های زمینی هم باید مثل آن عمل کنند. از نظر سنت اگوستین، فرمانروا، نماینده خدا در زمین است و باید تابعین از او اطاعت کنند (wallace ۱۹۶۴: ۱۲۱).

نظریه حقوق الهی پادشاهان، با عقیده به الهی بودن سلطنت که در امپراطوری‌های قدیم وجود داشت متفاوت است. این نظریه حتی با نظریه آمریت الهی پادشاهان که در قرون وسطی عمومیت داشت و هنوز هم در جهان امروز در بعضی از مناطق وجود دارد متفاوت است. در این نظریه، پادشاه شخص خدا نیست. اما دارای حق شخصی برای

فرمانروائی بر اساس تولدش را می‌باشد. پادشاهان بر اساس توارث^۱ و حقوق نیاکان خود بر سرکار می‌آیند. نیاکانی که در ابتدا از طرف خدا برای حکمرانی احضار شده‌اند (Ilwain, ۱۹۶۷: ۱۷۶). تجلی این نظریه در افکار جیمز اول پادشاه انگلستان متبلور است. وی حقوق خود را ناشی از غلبه، تسلط که بوسیله جدش ویلیام اول به دست آمده بود می‌داند. به عقیده جیمز اول پادشاهان تمثال‌های زنده خدا بر روی زمین هستند. آنان نمایان خدا بروی زمین می‌باشند (سابین، ۱۳۵۲: ۳۸۹). فرضیه حقوق الهی پادشاهان متضمن این نکته بود که رعایا موظف به اطاعت مطلق نیست به زمامداران خود می‌باشند.

۲- مشروعیت مدنی

این عقیده که اساس حکومت هر جامعه بروی رضایت و موافقت بین مردمی که برای همکاری و مشارکت برای تأمین خواست‌های مشترک خود گردهم آمده‌اند، می‌باشد یک سابقه مستمر در فلسفه و تفکرات سیاسی از زمان اندیشمندان یونانی و رومی تا به امروز دارد.

در یک چنین حکومتی حق حکمرانی ناشی از مردم و بر پایه رضایت و موافقت آنها قرار دارد. مشروعیت چنین حکومتی، مشروعیت مدنی است و به لحاظ آنکه رضایت و تصدیق مردم (تابعین) یک پایه برای مشروعیت فرمانروا و یا فرمانروایان است، تابعین بطور طبیعی می‌توانند انتظار حفاظت منافع و حقوق بنیادی خود را بوسیله آنها داشته باشند. بطوریکه برای اعتراض و یا مقاومت نیز حق خواهند داشت.

به عبارت دیگر حکومت حکمران تا وقتی مشروع است که از منافع اساسی افراد حفاظت کند. وقتی دیگر نتواند این وظیفه را انجام دهد افراد ملزم به اطاعت از او نیستند. زیرا تنها حکومت‌هایی واقعاً مشروع هستند که از اطاعت داوطلبانه تابعین خود برخوردار باشند. از نظر ژان ژاک روسو تنها چیزی که می‌تواند اساس قدرت مشروع و حکومت مبتنی بر حق را تشکیل دهد، قراردادهایی است که به رضایت بین افراد بسته شده است. زیرا زور هیچ گونه حقی ایجاد نمی‌کند و فقط ما موظف هستیم به قدرت‌های مشروع و حکومت‌های حقه اطاعت کنیم (روسو، ۱۳۵۸).

با توجه به اهمیت بازشناخت در تبیین مشروعیت سیاسی به دو زمینه مهم بازشناخت، مجموعه اعتقادات ارزشی و کارایی در راستای سوال اساسی مقاله توجه می‌نماییم.

ارزش‌ها و اعتقادات، آیین‌های فرهنگی

ارزش‌ها و اعتقادات^۱ می‌توانند به‌عنوان یک مجموعه افکار ارزشی و فرهنگی مشترک که به‌طور گسترده‌ای در میان مردم یک جامعه سیاسی وجود دارند، تلقی گردند (Apter, ۱۹۶۵: ۲۳۶).

این ارزش‌ها و اعتقادات حاصل تلفیق سنت‌ها و قوانین یک جامعه خاص در یک دوران معین می‌باشد که به مقتضای محیط و زمان در میان مردم جوامع مختلف متفاوت بوده است و چه بسا ارزش‌ها و معتقداتی که برای یک مردم یک جامعه مشروع تلقی می‌گردد و در جامعه دیگر نامشروع جلوه کند. از این نظر قدرتی مشروع است که با ارزش‌های حاکم بر اجتماع منطبق باشد. می‌توان یک طبقه بندی از ارزش‌ها به عمل آوریم؛ ارزش‌های عملی و ارزش‌های ایده‌آل (Easton, ۱۹۶۵: ۲۹۰).

حال به اهمیت ارزش ابزاری که بر مبنای آن کارایی نظام سیاسی در بازشناخت مشروعیت سیاسی صورت می‌گیرد، توجه می‌نماییم.

دومین دسته از ارزش‌هایی که بر اساس آن مشروعیت حکومتی شناخته می‌شود ارزش‌های ابزاری هستند. این ارزش‌ها بر روی کارآئی و عملکردهای ملموس یک نظام پایه دارند. در نتیجه احساس مشروعیت از طرف مردم نتیجه توانائی نظام در برآوردن تقاضاهاست.

مطالعه سودمند بودن حکومت به زمان ارسطو برمی‌گردد. به‌طوری که وی مطرح می‌کند، قدرت سیاسی قبول را به وسیله استفاده از زور، توزیع پاداش‌ها، و تعلیم تربیت و یا به‌وسیله تلفیقی از این سه به دست می‌آورد. در معانی جدید مفهوم سه‌گانه ارسطو به فنون حکومتی قهری و اجباری و عقیده به سودمندی ارزشی و هنجاری منطبق می‌گردد. بنابراین سودمند بودن حکومت برای فرمانبرداران عاملی در جهت مشروعیت نظام می‌شود. کارل فریدریش در کتاب خود به نام انسان و حکومتش می‌نویسد: «فرمانروائی

که سطح زندگی مردم را بالا می‌برد به عنوان فرمانروای مشروع ملاحظه می‌گردد» (Friedrich, ۱۹۶۸: ۲۷۶). موفقیت یک نظام در برآوردن احتیاجات مردم به عنوان یک منبع مؤثر بر بازساخت یک حکومت و راضی نگهداشتن مردم است. عملکردهای یک نظام سیاسی می‌توانند برحسب کارآئی آن مورد ارزیابی قرار گیرند. سطح بالای کارآئی که احتیاجات عمومی و منافع را تأمین می‌کند میزانی مشروعیت را کسب می‌کند. در عین حال یک نظام سیاسی بامدت زمان طولانی زمامداری هم اگر در طول زمان کارایی خود را از دست بدهد با فقدان مشروعیت مواجه می‌شود.

حال به بررسی نظام سیاسی و عملکردهای آن سطح سوم که توانایی نمادین یکی از آنان است و برگزاری جشن‌های سلطنتی را می‌توان در چارچوب آن تحلیل کرد می‌پردازیم.

عملکردهای نظام سیاسی

هر نظام سیاسی، بر اساس نظریه ساختاری-عملکردی، وظایف خود را از طریق ساختارها^۱ و عملکرد^۲ آنها در سه سطح از اعمال انجام می‌دهد. هر کدام از ساختارها دارای وظایف مشخصی و در عین حال وظایف از طریق ساختارهای مختلف انجام می‌شود^۳. وظایف یک نظام سیاسی را می‌توان به ترتیب زیر بیان نمود:

سطح اول حفظ و تطبیق نظام سیاسی

۱- جامعه‌پذیری سیاسی^۴ - بکارگیری سیاسی^۵ - ارتباطات سیاسی^۶
 سطح دوم، سطح فرایند تبدیل نهاده به داده؛ تقاضا و پشتیبانی^۱ - بیان خواسته‌ها^۲ - تجمیع

1. Structures
2. Functio

۳. برای مطالعه دقیق مفصل در مورد سیستم، وظایف و عملکردهای آن مراجعه شود به:

G. Almond and B. Powel (1966), *Comparative politics; developing approach*, Boston: Little Brown Company.

G. Almond and B. Powel (1978), *Comparative politics; system process and policy*, 2th Ed, Boston: Little Brown Company.

areas, developing of oolitics, (eds) olemnnc James nnd Almond G. Introduction Press nn iversity Princeton Princeton:

4. Socialization Political
5. Recruitme oolitical
6. Communicatioa

خواسته‌ها ۳- قانون، سیاست‌گذاری ۴- اجرای قوانین و سیاست‌ها ۵- قضاوت نسبت به اجرای قوانین و سیاست‌ها که از طریق ساختارهای نظام سیاسی اعمال می‌شوند. سطح سوم، سیاست‌گذاری، توانایی‌های نظام سیاسی که به اشکال ذیل هستند:

۱- تنظیمی ۲- استخراجی ۳- توزیعی ۴- پاسخگویی ۵- نمادین

در نهایت نتایج نظام سیاسی که در تعامل با عوامل محیط داخلی و بین‌المللی باید برای تحلیل مورد توجه قرار گیرند. کالاها نیز در هر نظام سیاسی، امنیت، عدالت و رفاه تلقی می‌گردند.

توانایی نمادین نظام سیاسی یکی از ظرفیت‌هایی است که هر نظام سیاسی با توجه به اهداف، ماهیت، امکانات خود آن را به ویژه در زمان‌های خاص که بیشتر نیازمند است با تأکید بر جنبه‌های مشترک و فرهنگ سیاسی جامعه انجام می‌دهد. نمونه‌های استفاده از این توانایی علاوه بر شرایط عادی در زمان بحران‌ها، موقعیت‌های اضطراری از قبیل جنگ در کشورها وجود دارد. نظام‌ها، انتظار دارند که این توانایی به بهبود توانمندی‌های دیگر، افزایش کارایی بهتر و مشروعیت بیشتر بیانجامد. تعیین ارزش‌هایی که نظام سیاسی برای بهره‌مندی از این توانایی بکار می‌گیرد، بستگی به عوامل مختلف دارد. تمامیت حاکمیت، استقلال، پیروزی بر دشمن، حماسه‌سرایی درباره گذشته، از آن جمله هستند. برگزاری جشن‌ها در مناسبت‌ها نیز در همین توانایی قابل تحلیل است (Alexander, ۲۰۱۱). نکته محوری در تحلیل توانایی نمادین، آن است که نظام سیاسی با استفاده از ظرفیت آن، به تقویت توانایی‌های دیگر نایل آید. اگر نظام سیاسی، از توانایی‌های دیگر در جهت صرف انجام این ظرفیت کوشش کند و به کاهش کارایی تمامیت نظام منجر شود، آنگاه تأثیر منفی بر مشروعیت خواهد گذاشت.

جشن‌های سلطنتی نیز که با هدف بازشناخت ارزش‌ها و اعتقادات جامعه برای برانگیختن احساسات و نمایش قدرت و شکوه سلاطین به ویژه آنهایی که در مناسبت‌های گرامیداشت سال‌های طولانی زمان سلطنت آنان برگزار می‌شوند، در زمره توانایی نمادین نظام سیاسی است. این جشن‌ها برای مشروعیت‌بخشی بر مبنای ارزش‌هایی است که معمولاً به مناسبت برگزاری آن ترویج می‌شوند. با تأسی به (کاترین بل، ۱۹۹۲) می‌توان گفت چنین جشن‌هایی یک فرآیند راهبردی برای ایجاد و تبیین تفاوت بر مبنای هدف خود هستند که منجر به شکل‌گیری روابط قدرت بر اساس ارزش‌های نظام سیاسی است

(همان: ۹۰). تفاوت در گذشته و حال، تفاوت با ارزش‌ها در دیگر جوامع، تفاوت برای بیان برتری از آن جمله هستند. بطور مثال در نظام‌های سلطنتی برگزاری جشن‌های دوره طولانی سلطنت، برای بیان تفاوت شرایط جامعه قبل از دوره زمامداری پادشاه و یا ملکه و تبلیغ اثر حکمرانی آنان در جامعه در طول سال‌هاست. درک این تفاوت از طرف مردم مفروض است که به مشروعیت‌بخشی آنان کمک کند. حال به بررسی جشن‌های سلطنتی می‌پردازیم.

جشن‌های سلطنتی

همانطوری که در زمینه‌جویی مطرح شد مرور تاریخ سیاسی کشورها، روایت‌گر برگزاری جشن‌هایی با اهداف و ماهیت متفاوت از طرف حاکمان می‌باشد. یکی از آنها جشن‌ها با زمینه گرامیداشت سال‌های طولانی سلطنت حاکم و همچنین سلسله منتسب می‌باشد. معمولاً “زمان طولانی” در کنار عوامل دیگر در اهمیت‌بخشی به زمامداری پادشاهان و ملکه‌ها در ارزیابی قدرت و توانایی آنان در حکمرانی مهم و می‌توان زمینه‌ای برای چگونگی مشروعیت‌شان است. زیرا قدرت اداره سرزمینی در طولانی مدت می‌تواند عامل مثبتی برای خدمت بیشتر به مردم باشد، به ویژه آنکه اگر حکمرانی بدون چالش بوده و یا توانمندی گذر مسالمت‌آمیز از بحران‌ها را داشته باشند. طول مدت در این صورت می‌تواند برای پشتیبانی از مشروعیت آنان مورد بررسی قرار گیرد.

در تاریخ ایران، سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هجری قمری)، پنجاه سال طول کشید، در زمره مهمترین مثال‌هایی است که به دلایل مختلف در تاریخ ایران بسیار مکتوب است. در عرصه بین‌المللی نیز، پادشاهان و ملکه‌های انگلستان، از جمله جیمز اول (سلطنت ۱۵۶۶-۱۶۲۵ میلادی)، هنری سوم (۱۲۰۷-۱۲۷۲)، ملکه ویکتوریا (سلطنت ۱۸۳۷-۱۹۰۱ میلادی)، ملکه الیزابت دوم (سلطنت ۱۹۵۲-۲۰۲۲ میلادی)، در تایلند، پادشاه بومیپل ادولیاده (سلطنت ۱۹۴۶-۲۰۱۶ میلادی)، مارگرت دوم ملکه دانمارک (سلطنت ۱۹۷۲ - تا کنون) از جمله موارد قابل اعتنا در کنار دیگر مثال‌ها هستند.

جشن‌های سلطنتی که در مناسبت گرامی‌داشت زمان طولانی زمامداری پادشاه یا ملکه

برگزار می‌شود، در برخی از کشورها از آن به نام ژوبیلی^۱ یاد می‌کنند. این جشن‌ها فرصتی برای برگزاری مراسم و اجرای برنامه‌هایی است که به مناسبت اهمیت گذشت دوره طولانی و حتی چند بار در دهه‌های گذر یک سلطنت، با شیوه‌ها، آیین‌ها و آداب مختلف در کشورهای دارای نظام پادشاهی می‌باشد.

ریشه تاریخی اصطلاح ژوبیلی، در انجیل مقدس و مذهبی است، ولیکن در طول سال‌ها اطلاق آن به رویدادهای سلطنتی نزدیک شده و جنبه نمادین دارد. در اصل به معنا و به منزله گذر سال‌هاست. بنابر اسناد کلیسای کاتولیک رم، تقریباً ۱۳۰۰ سال بعد از میلاد مسیح برای بخشش گناهان و سازش در هر بیست و پنج سال مورد استفاده این نهاد قرار گرفت. بعدها توسط دربارهای سلطنتی برای دوره‌ای مشخص از زندگی و حکمرانی سلطنت‌ها به ویژه در بریتانیا استفاده شد (<https://www.merriam-webster.com/dictionary/jubilee>).

جشن‌های سلطنتی می‌توانند علاوه بر یک رویداد برای احترام و بزرگداشت سال‌های سلطنت پادشاه یا ملکه، فرصتی برای تقویت ارتباط با مردم به صورت دیدار و همچنین تولید یادگاری‌های خاص برای حفظ در آینده باشد. این یادگاری‌ها در اشکال مختلف به صورت تمبر، سکه، اجناس چینی و غیره برای مناسبت جشن خاص تولید و توزیع می‌شوند. در حالی که در سال‌های بعد ممکن است که این یادگاری‌ها ارزش اقتصادی هم پیدا کنند، ولیکن بطور کلی جنبه نماد یادگاری از جشن و به عنوان مجموعه‌ای تاریخی برای مشروعیت‌بخشی به دورانی از تاریخ زمامداری حاکمان در کشورها باقی می‌ماند.

در مرور تاریخ ایران، جشن پنجاهمین سال سلطنت ناصرالدین شاه (معزی نیا، ۱۳۸۶) که شوربختانه برای وی با ترور و به قتل رسیدن همراه شد، مشهورترین نمونه است که بسیار هم مکتوب شده است. این جشن که به نام «قران» هم از آن یاد می‌شود، قرار بود در اردیبهشت سال ۱۲۷۵ هجری قمری به مدت یک هفته برگزار شود. برنامه‌ریزی گسترده از جمله دعوت از مهمانان ویژه از داخل و خارج ایران، آذین‌بندی و برگزاری مراسم متعدد برای انجام آن صورت گرفته بود.

1. Jubilee
jubilees-<https://www.royal.uk/history>

ناصرالدین شاه قبل از این تاریخ نیز خود را سلطان صاحبقران نامیده بود. به باور عمومی صاحبقران به سلطانی گفته می‌شد که در پنجاه سالگی سلطنت را که معادل نیم قرن باشد را پشت سرگذرانده باشد. اتفاقی که تا پیش از ناصرالدین شاه حداقل بعد از صفویه رخ نداده بود و کمتر شاهی توانسته بود به این رکورد دست پیدا کند. اما پیش از او شاه عباس صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هجری قمری)، نادرشاه (۱۱۰۰-۱۱۶۰ هجری قمری) و سلطان حسین بایقرا (۸۶۱-۹۱۱ هجری قمری) در تاریخ به صاحبقران معروف بودند (<http://tarikhiraaiki/fa/news/>؛ ۶۲۸).

تا سال ۱۳۰۰ شمسی هر قرن معادل نود سال بود. به همین دلیل برای احتساب نصف قرن یک دوره سی ساله را به نام قران نامگذاری می‌کردند. ناصرالدین شاه در سال ۱۳۹۳ ه.ق برابر با ۱۲۵۵ ه.ش در سی‌امین سالگرد سلطنت خود سکه‌ای ضرب کرد و خود را صاحبقران خواند. استفاده از این نماد و اطلاق سلطان صاحبقران به خویش، موجبی برای خواست فرمانبرداری بیشتر مردم، ماندگاری در تاریخ و مشروعیت بخشی حکمرانی بود. (<http://tarikhirani.ir/fa/news/6284>). در دست‌نوشته‌های خاطرات ناصرالدین شاه نیز روایت او از جشن یکصدمین سال سلطنت قاجار و برنامه‌هایی که برگزار کرده موجود است (خاطرات ناصرالدین شاه، ذیحجه ۱۲۹۳). دوره سلطنت طولانی ناصرالدین شاه و به تبع نسبت با وقوع رویدادهای بیشتر، به علاوه برخی ویژگی‌های شخصیت وی، او را نه تنها نامدارترین پادشاه سلسله قاجار، بلکه به نمادی با نشانه‌های مختلف باقی گذاشت.

درباره موارد مطالعه این مقاله می‌باید گفت که استفاده از نمادها و توانایی نمادین از جمله جشن‌ها برای مشروعیت سلسله پهلوی از همان ابتدای حکومت از زمان پهلوی اول وجود داشت. در زمان سلطنت پهلوی در مناسبت‌های مختلف جشن‌های کم و بیش مفصلی برگزار شد.^۱ در این جشن‌ها که با هزینه‌های بسیار از بودجه دولتی برگزار می‌-

۱. مهم‌ترین این جشن‌ها از این قرار بود: ۱- جشن تاجگذاری رضاشاه (۴ اردیبهشت ۱۳۰۵)؛ ۲- جشن ازدواج اول ولیعهد (فروردین ۱۳۱۸)؛ ۳- جشن سالروز آغاز سلطنت محمدرضاشاه (۲۵ شهریور)؛ ۴- جشن ازدواج دوم محمدرضاشاه (۱۳ بهمن ۱۳۲۹)؛ ۵- جشن ازدواج سوم محمدرضاشاه (۲۹ آذر ۱۳۲۸)؛ ۶- جشن سالروز رستاخیز ملی (۲۸ مرداد)؛ ۷- جشن سالروز تولد محمدرضاشاه (۴ آبان)؛ ۸- جشن سالروز تولد ولیعهد (۱۰ آبان ۱۳۳۹)؛ ۹- جشن سالروز اعطای حقوق اجتماعی به زنان یا کشف حجاب (۱۷ دی)؛ ۱۰- جشن سالروز کودتا (۳ اسفند)؛ ۱۱- جشن سالروز انقلاب شاه و ملت (۶ بهمن)؛ ۱۲- جشن سالروز میلاد ملکه فرح دیبا (۲۲ مهر)؛ ۱۳- جشن

شد، در اصل برای مشروعیت‌بخشی به سلطنت دو پادشاه، سلسله پهلوی و اقدامات آنان در زمینه نوسازی و پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و ارتش بود. در حالی که هر کدام از این جشن‌ها از منظر توانایی نمادین نظام سیاسی در زمان خود قابل تحلیل هستند، ولیکن از نظر موضوع پژوهش تمرکز ما بر چهار جشن یاد شده است که زمینه اصلی آنها گرامیداشت سلطنت و طول مدت آن و سلسله پهلوی و دوام نظام شاهنشاهی می‌باشد. وجود اسطوره‌ها، افسانه‌ها، قهرمانان ملی و انتقال این عناصر فرهنگی از نسلی به نسل دیگر، از جنبه‌های جهانشمول و ابعاد واقع‌گرایی فرهنگی خبر می‌دهد که در مجموع زندگی ایرانی را شکل می‌دهد. خصلت‌های پهلوانی، دفاع از نیکی و مبارزه با بدی، برگزاری جشن‌های ملی و بسیاری از آیین‌ها و استمرار آنها در ایران حتی پس از ورود اسلام نشان‌دهنده قدرت فرهنگی است (نقیب زاده، ۱۳۸۱ نقل در استوار ۱۳۹۴: ۷۲-۷۵). استفاده از این جشن‌ها نیز می‌تواند در صورت مقبولیت جامعه بخشی از قدرت فرهنگی باشد. از جمله جشن‌ها در ایران جشن جابجایی شاه در ایران بود که با مرگ شاه قبلی یا برکناری او و کودتا، در قالب تاج‌گذاری شاه جدید و ضرب سکه به نام شاه جدید مفهوم می‌یافت. شاه جدید برای مشروع‌سازی حکومت خود جشن می‌گرفت تا مردم به شکرانه پادشاه جدید به جشن و پایکوبی پردازند. در این زمینه امتیازاتی هم مانند بخشش مالیات صورت می‌گرفت. تا رضایت عامه بدست آید. به ویژه در مورد پادشاهانی که از مشروعیت و مقبولیت چندانی برخوردار نبودند (سادات بیدگلی، رضا بیگدلو ۱۳۹۸: ۷۴). همانطوری که ذکر آن رفت برگزاری جشن‌ها، یکی از نمادهای نظام پادشاهی در ایران بوده است. جهان نمادین ایران باستان از عناصر فرهنگی قدرتمندی برخوردار است. در تاریخ ایران مشروعیت فرمانروا صرفاً ناشی از نمایندگی از سوی مردم و خدا نیست، بلکه از رابطه بین فرمانروا و سنت فرمانروایی ایران در تاریخ سرچشمه گرفته است (سادات بیدگلی، بیگدلو: همان ۸۰) که در چارچوب مشروعیت مدنی و مشروعیت الهی قابل

شکرگزاری به مناسبت نجات محمدرضاشاه از ترور (۱۵ بهمن)؛ ۱۴- جشن زادروز تولد رضاشاه یا روز پدر (۲۴ اسفند)؛ ۱۵- جشن تاجگذاری محمدرضاشاه و ملکه فرح دیبا (۴ آبان ۱۳۴۶)؛ ۱۶- جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران (۲۰ - ۲۶ مهر ۱۳۵۰)؛ ۱۷- جشن پنجاهمین سالگرد سلطنت پهلوی (۴ اردیبهشت ۱۳۵۵)؛ ۱۸- جشن نخستین دهه انقلاب شاه و مردم (۶ بهمن ۱۳۵۱). علاوه بر این جشن‌ها، به مناسبت سالروز تولد مادر، خواهران و برادران شاه و دفن رضاشاه نیز مراسمی برگزار می‌شد (دانشنامه آزاد، جشن‌های سلطنت پهلوی).

تحلیل است.

هر دو پادشاه سلسله پهلوی درابتدای سلطنت از مشروعیت لازم برای پادشاهی برخوردار نبودند. پهلوی اول از عدم پشتوانه خانوادگی بدون سابقه تاریخی در حیات سیاسی ایران رنج می‌برد. زمینه‌ای که بر مبنای آن بتواند به گذشته خود افتخار و مشروعیت آفرینی کند وجود نداشت. پهلوی دوم نیز در شرایطی خاص به قدرت رسید. از این رو، آنان به ارجاعات مکرر و توسل به ابزارهای مختلف برای تولید و القا نمادها به ویژه نمادهای تاریخی و رجعت به گذشته تاریخ ایران، باستان‌گرایی (سادات بیدگلی، مدنی جاوید، ۱۳۹۸: ۱۹۷) برای کسب مشروعیت اهتمام می‌کردند. در شرایط خاص ایران و موقعیت آن از قرن‌های گذشته که در میان مطامع قدرت‌های بزرگ گرفتار بود، آنان به تشدید و برانگیختن احساسات ناسیونالیستی (سادات بیدگلی، مدنی جاوید، ۱۳۹۸: ۱۹۶) و استفاده از نمادهای تاریخی زیاده‌روی می‌کردند. پهلوی اول نیز در جشن تاجگذاری برای کسب مشروعیت خود را وابسته به نمادها و پادشاهان قدرتمند گذشته کرد.

پهلوی دوم سلطنت خود را با بحران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین آغاز کرد. در طول سلطنت نیز با بحران‌های متعددی که مشروعیت نظام پادشاهی و شخص او را به چالش کشیدند، روبرو بود. آغاز سلطنت در جوانی و بحران اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، غائله آذربایجان، دو سوءقصد به جان شاه، جریان ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد، قیام خرداد ۱۳۴۱، موارد عمده هستند. در حالی که بطور مستمر نیز در داخل و خارج ایران از طریق جنبش‌ها و اقدامات به روش‌های مختلف مشروعیت وی و نظام پادشاهی مورد تهدید بود (پورآرین و دل آشوب، ۱۳۹۴). از این رو شاه درصدد مشروعیت‌سازی برای حکومتش بود. پهلوی دوم علاوه بر فقدان مشروعیت بر مبنای معتقدات ارزشی و کارایی برای بازشناخت آن، در مقابل روحانیت و مرجعیت شیعه قرار گرفته بود که خود را وارث پیامبر اسلام می‌دانستند، و مشروعیت وی را پیوسته به چالش می‌کشیدند. شاه در صدد یافتن یک پیامبر ایرانی بود که او را در مقابل اسلام علم کند. او ابتدا سعی در احیای زرتشت نمود، ولی موفقیتی بدست نیاورد. روزنامه‌های وابسته رژیم، کوروش را نه به عنوان فاتح، بلکه به عنوان یک "آیین گذار" معرفی می‌کردند. منظور آنان از آیین، آیین شاهنشاهی بود که آن را به عنوان یک دین

ترسیم می‌کردند (پرسمان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و باستان‌گرایی). این آیین می‌بایست از طریقی به بازشناخت مردم نسبت به نظام پادشاهی و ریشه نظام حاکم کمک می‌کرد. جشن‌های سلطنتی یکی از آنها بود که می‌توانست به طرق مختلف آن را بازنمایی کند. جشن‌های دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵.ش همه در چارچوب توانایی نمادین نظام سیاسی وقت بودند، که با توسل به یادآوری نمادهای گذشته و تاریخی در قالب مجموعه معتقدات ارزشی و همچنین بیان و تبلیغ اقدامات صورت گرفته که جلوه کارایی نظام سیاسی باشد، سعی در تقویت مشروعیت نظام داشتند. رسانه‌های طرفدار شاه می‌نوشتند که جشن‌های شاهنشاهی احترام به آیین گذشته و حافظ حاکمیت و عظمت گذشته ایران است. شاه باتکریم و تعظیم کوروش به عنوان یک نماد تاریخ شاهنشاهی ایران تلاش می‌کرد خود را وارث و نگهبان آن قلمداد کند.

علاقمندی به برگزاری جشن در زمان پهلوی اول به سال ۱۳۳۷ برمی‌گردد.^۱ حتی قبل از برگزاری جشن تاجگذاری، پیشنهاد برگزاری جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را شجاع‌الدین شفا یکی از نخبگان فکری آن روز دربار به وی داد (زندیه و قنواتی، ۱۳۹۶). زمانی که شاه از شجاع‌الدین شفا پرسید که چه سمبلی برای جشن‌ها قائل هستید؟ گفت تداوم تاریخ، به این معنا که ما وارث شکوه گذشته و حماسه ایران هستیم. از این رو شاه تلاش داشت که کوروش را در حد اسوه ایرانی معرفی و خود را وارث او معرفی کند. برگزاری این جشن به دلایل زیاد و عدم امکان تامین بودجه لازم تا سال ۱۳۵۰.ش به تعویق افتاد (پورآرین، دل آشوب: ۸). تا آن زمان دو جشن ۲۵ سالگی سلطنت پهلوی دوم در سال ۱۳۴۵.ش و جشن تاجگذاری در سال ۱۳۴۶.ش همراه با اعطای نیابت سلطنت به فرح پهلوی برای استمرار سلسله پهلوی در صورت فوت شاه قبل از بیست سالگی ولیعهد برگزار شد. جشن پنجاهمین سال سلطنت پهلوی نیز با تأکید بر اقدامات انجام شده در دوران این سلسله و توجه به مجموعه اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که در زمره شاخص‌های کارایی برای مشروعیت نظام سیاسی مهم هستند،

۱. برای آگاهی بیشتر در زمینه مبانی فکری جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی به کتاب زیر، بخش سوم و چهارم مراجعه کنید.

صادقی فرد، مژگان، شجاعی فرد، علی (۱۳۹۴)، تهران، اوند اندیشه.

برنامه‌ریزی و اجرا شد.

جشن‌های دو هزار و پانصد ساله، که با شکوهی کم نظیر پس از سال‌ها فعالیت و مطالعه در مهر ۱۳۵۰ ه.ش در تخت جمشید برگزار شد، از جمله جشن‌های پرهزینه و مورد عتاب مخالفین بود. شاه در پی احیای ارزش‌های آریایی و بازگشت به شکوه امپراطوری ایران از طریق نمایش و بهره‌مندی از نمادهای آن بود. بدین منظور دست به یک سری اقدامات عمده زد از جمله: خود را شاهنشاه نامید، امر به جمع‌آوری و تألیف کتبی در خصوص فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام کرد، تشکیل بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان ایران، تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، برپایی جشن‌های مختلف در طی دهه جشن‌ها، (۱۳۴۵-۱۳۵۵)، ترغیب مردم به برگزیدن نام‌های اصیل ایرانی برای فرزندان، اعزام سپاهیان دانش به روستاها به هدف ترغیب مردم به فرهنگ باستانی و شاهنشاهی و آگاهی آنها نسبت به بزرگی کوروش کبیر، تغییر تقویم هجری شمسی به شاهنشاهی، از دیگر اقدامات وی در این زمینه بود. هدف اصلی شاه، در برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله، زدن پلی بود بین خود و پادشاهان باستانی ایران به سلطنتش جنبه وراثت مشروع بدهد (دهقان نیری، شجاعی، ۱۳۸۶). برای نهادی کردن آن هم مجموعه برنامه‌های شاه برای جشن‌ها در شورای مرکزی جشن‌ها در وزارت فرهنگ و هنر در تشکیلاتی به نام شورای مرکزی جشن شاهنشاهی مشخص شده بود:

شناساندن اصل شاهنشاهی به عنوان زاده و پرورده اندیشه و زندگی جامعه ایرانی، اعتقاد و دل‌بستگی مردم به شاهنشاه و شاهنشاهی، نشان دادن کوشش و فداکاری ملت در راه نگاهداری و ادامه شاهنشاهی، شناساندن خدمات شاهنشاهی ایرانی، معرفی تحولات بزرگ جامعه ایرانی به رهبری شاهنشاه ایران، آثار بزرگ شاهنشاهی ایران، نشان دادن کوشش ایرانیان برای اشاعه آیین پادشاهی (پورآرین، دل‌آشوب، ۱۳۹۴: ۲۱).

حسن زندیه و علی قنواتی که دو مقاله در زمینه جشن‌های شاهنشاهی به رشته تحریر در آورده‌اند، معتقد هستند که یکی از اصلی‌ترین اهداف محمدرضاشاه از برگزاری این جشن‌ها، کسب مشروعیت برای حکومت خود بود؛ اما حکومت پهلوی در تحریک حس ناسیونالیستی مردم جهت شرکت گسترده در این جشن‌ها، با وجود تمام تبلیغات خود، تا حدود بسیاری ناکام و عاجز ماند و مردم حضور گسترده‌ای در جشن‌ها نداشتند. گروه‌های مختلفی با برگزاری این جشن‌ها به مخالفت علنی پرداختند. در رأس آنها، در

روحانیون امام خمینی (س) بود. باید از دیگر گروه‌ها مانند «عده‌ای از مردم مبارز» و «گروه‌های چریکی»، دانشجویان دانشگاه تهران نام برد که به صورت علنی با جشن‌ها به مخالفت پرداختند. چهار علت اصلی این مخالفت‌ها را می‌توان اینگونه بیان کرد: علت اول: اسلام‌زدایی، از علل اصلی مخالفت روحانیون مذهبی با جشن‌ها بود. علت دوم: وجود خفقان سیاسی و نبود آزادی‌های دموکراتیک در نظام شاهنشاهی. این در حالی است که محمدرضا شاه به عنوان رأس هرم قدرت در حکومت پهلوی، پیش از برگزاری جشن‌ها و نیز در سخنرانی خود به مناسبت افتتاح جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، بارها به رعایت حقوق بشر از سوی کوروش هخامنشی اشاره و تأکید کرده بود. علت سوم: خارجی بودن تدارکات این جشن‌ها؛ تدارکاتی که درصد بسیار بالایی از آن توسط کشور فرانسه فراهم آمده بود. علت چهارم: وضعیت نامطلوب مردم و جامعه ایران از لحاظ اقتصادی در مقایسه با هزینه‌های بسیار گزاف جشن‌ها که خرج شد (زندیه، قنواتی، ۱۳۹۶).

یکی از اهداف برگزاری این جشن‌ها کسب وجهه بین‌المللی برای حکومت پهلوی جهت رسیدن به عنوان ژاندارمی منطقه بود. کمیته‌های بین‌المللی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، در بسیاری از کشورهای دنیا به تبلیغات گسترده در باب این جشن‌ها پرداختند. در بعد خارجی، بازتاب جشن‌ها دو روی متفاوت داشت. از یک طرف، برخی جراید و سران و رهبران کشورها به تعریف و تمجید از جشن‌ها پرداختند؛ و از طرفی، برخی جراید و سران کشورها به انتقاد از آن دست زدند. دانشجویان خارج از کشور نیز از طریق «کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی» به مبارزات عدیده‌ای با جشن‌ها پرداختند (زندیه و قنواتی، ۱۳۹۳).

جشن پنجاهمین سال سلطنت پهلوی در ۱۳۵۵ نیز با هدف اولیه و تأکید بر دوره پنجاه ساله سلطنت پهلوی در استمرار پادشاهی در ایران در پنجاهمین سال سلطنت پهلوی نیز با تبلیغات در باره اقدامات انجام شده در دوران سلسله پهلوی و گرامیداشت مجموعه دستاوردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که در زمره شاخص‌های کارایی برای مشروعیت نظام سیاسی مهم هستند، برگزار شد. در اولین روز سال ۱۳۵۵، تغییر تقویم ه.ش به تاریخ شاهنشاهی انجام و سال ۲۵۳۵ اعلام شد (سادات بیگدلی، مدنی جاوید، ۱۳۹۸). ولیکن مدت زمان این تغییر مبدا تاریخ کوتاه بود، از ابتدا نیز مورد اعتراض روحانیون قرار گرفت و در تابستان سال ۱۳۵۷، متعاقب اعتراضات مردمی، جزو اولین

عقب‌نشینی‌های نظام بود (<https://hawzah.net/fa/Article/View///:https>) (۹۸۹۰). بنظر می‌آمد که جز شاه و حلقه‌ای از اطرافیان، افراد و گروه‌ها در جامعه به عامل زمان طولانی سلطنت و نظام پادشاهی برای قبول مشروعیت ناشی از آن و زمینه‌ای برای عدم اعتراض فکر نمی‌کردند. بلکه در مقابل معترضین به تاریخ طولانی ظلم و ستم آن توجه داشتند.

نتیجه‌گیری

در حالی که جشن‌های دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ ه.ش دارای ویژگی‌های مشترک بودند و هدف آنها استفاده از نمادهای تاریخی و توجه به استمرار تاریخی نظام پادشاهی در ایران به عنوان بزرگترین پشتیبان و مشروعیت بخش نظام بودند، ولیکن نکات تفارقی را هم میتوان در آنها مورد توجه قرار داد. از نظر هدف، حضور مردم، توجه به مشروعیت در سطح داخلی یا بین‌المللی یا فرایند و ابزار می‌توان نکاتی را اشاره کرد. در جشن ۲۵ سالگی، ربع قرن سلطنت در ۱۳۴۵، جنبه تشریفات سلطنتی کمتر و تأکید بیشتر بر برگزاری مراسم سرور و شادمانی برای مردم در اماکن عمومی و استفاده از اسباب شادی برای مردم بود. هرچند که بهانه‌ای برای پشتیبانی از مشروعیت ملی شاه بود که پس از قیام خرداد ۱۳۴۱ دچار تزلزل شده بود. جشن تاجگذاری با تشریفات و هزینه هنگفت برای تثبیت سلطنت و اعلام فرح پهلوی به عنوان نایب السلطنه پادشاه برگزار شد. جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی با هدف کسب مشروعیت بین‌المللی و تشریفات بسیار هزینه‌های مالی فراوانی را به ملت تحمیل کرد که می‌توانست خرج آبادانی کشور شود. در جشن‌های دو هزار و پانصد ساله، شاه در سخنرانی خود در آرامگاه کوروش، منبع مشروعیت خود را ودیعه الهی دانسته، خود را در برابر کورش کبیر مسئول و فقط از مردم و ملت یکبار سخن به میان می‌رود. در حالی که در جشن پنجاهمین سال گرامیداشت سلطنت پهلوی در سخنرانی در اولین روز فروردین ۱۳۵۵ در آرامگاه پهلوی اول روی سخن با مردم ایران کرد و مکرر از مردم به عنوان مخاطبان اصلی مراسم یاد کرد. در مراسم جشن شاهنشاهی توجه به مهمانان خارجی و تشریفات سنگین برای آنان بود و فقط سه هزار نفر از افراد خاص در مراسم شرکت کردند (پورآرین و دل آشوب، ۱۳۹۴: ۱۱). در حالی که در مراسم پنجاهمین سال سلطنت دوازده هزار نفر از طبقات مختلف مردم دعوت شدند و در مراسم حضور یافتند. در مراسم جشن ۲۵۰۰ ساله، تکیه جاه طلبانه بر تشریفات و صرف هزینه هنگفت بود، در جشن پنجاه سالگی سلطنت، برخی فعالیت‌ها برای

پژوهش تاریخی نیز صورت گرفت. به طوری که چندین سمپوزیوم علمی برای تشریح دست‌آوردهای سلطنت پهلوی تشکیل شد. از ادارات و مراکز علمی درخواست شد که نسبت به ثبت اقدامات، تهیه آمار و انجام پژوهش‌های علمی در دوران سلطنت همت گمارند. در همه این جشن‌ها، توجه به عامل "زمان" به عنوان عامل اصلی کسب و تقویت مشروعیت با تکیه بر نمادهای تاریخی زمینه برگزاری بوده است. دو سال بعد از جشن پنجاه سال سلطنت پهلوی، انقلاب اسلامی به وقوع پیوست و طومار سلطنت پهلوی و دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی در هم پیچید.

پيامدها	جشن
کسب مشروعیت داخلی، برگزاری مجالس سرور و شادمانی	جشن ۲۵ سال سلطنت پهلوی اول ۱۳۴۵
تثبیت و ادامه تاریخی سلطنت از طریق اصلاح قانون اساسی	جشن تاجگذاری ۱۳۴۶
کسب مشروعیت بین‌المللی از طریق نماد طولانی شاهنشاهی در ایران	جشن دوهزار و پانصد سال شاهنشاهی ایران
کسب مشروعیت داخلی و تغییر تقویم برای حفظ تسلسل تاریخ پادشاهی در ایران	جشن پنجاه سال سلطنت پهلوی

با توجه به مدارک در دست در عین آنکه کوشش فراوان برای بهره‌وری از توانایی نمادین در قالب برگزاری مراسم با نهایت تشریفات، اقدامات گسترده برای بازخوانی و بهره‌مندی از اسطوره‌های ایرانی تاریخی، استفاده از رسانه‌های جمعی برای آموزش و القا ارزش‌های موردنظر، تولید یادگاری‌های نمادی به اشکال مختلف صورت گرفته بود، ولیکن در عمل نه تنها موفق به حفظ وضع موجود نشدند، بلکه در کنار مجموعه عوامل دیگر، دو سال پس از برگزاری آخرین جشن گرامیداشت، مشروعیت سلطنت وی و دودمان پهلوی و نظام شاهنشاهی مورد اعتراض مردم قرار گرفت و با انقلاب اسلامی از میان رفت. در سطح بین‌المللی نیز اقداماتی که در قالب برگزاری جشن‌ها برای

مشروعیت‌بخشی صورت گرفته بود، حمایتی از نظام در زمانی که مورد اعتراض داخلی قرار گرفته بود، نیانجامید.

در راستای پاسخ به سوال اساسی مقاله، با عنایت به مجموعه مطالب مطرح شده می‌توان بیان کرد که جشن‌های سلطنتی به عنوان جلوه‌ای از توانایی نمادین نظام‌های سیاسی که هدف آنها بهره‌مندی از "مدت زمان" حکمرانی فرد و یا سلسله حاکم برای مشروعیت‌بخشی‌شان باشد، به دلیل عواملی چند تأثیرگذار نمی‌باشند. مجموعه معتقدات ارزشی که توسط نظام سیاسی در قالب توانایی نمادین تبلیغ و ترویج می‌شوند، اگر در تطابق با اعتقادات جامعه و همراه با دیگر ظرفیت توانایی‌های نظام سیاسی برای تقویت کارایی و پاسخگویی آن نباشند، نتیجه‌ای نخواهد داشت. به طوری که در مورد مطالعه فوق، علیرغم برگزاری چهار جشن در یک دهه با تأکید بر عامل زمان در سلطنت و تاریخ طولانی نظام پادشاهی در ایران هدف اصلی نه تنها میسر بلکه برخلاف آن یکی از عوامل تحلیل مشروعیت پهلوی دوم و فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران شدند.

منابع

الف) فارسی

- استوار، مجید (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر ابعاد نمادین جهان ایرانی بر ذهنیت ایرانیان، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴.
- پورآرین، فواد، دل آشوب، هادی (۱۳۹۴)، انگیزه‌ها و اهداف برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی، فصلنامه ژرفا پژوه، سال دوم، دفتر دوم و سوم، شماره پیاپی ۴ و ۵، ۲۷-۷.
- خاطرات ناصرالدین شاه، دست خط‌ها، سازمان اسناد ملی ایران.
- دهقان نیر، یلقمان شجاعی، حورا (۱۳۸۶)، بازنگری در جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران، پژوهشنامه تاریخ، ۹-۷۰.
- رضوی، محمد (۱۳۵۸)، مقوله قدرت و علم سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۷.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۵۸)، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران: چاپ ششم، انتشارات چهر.
- زندیه، حسن، قنوتی، علی (۱۳۹۶)، مخالفت‌های داخلی با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی؛ چرا و چگونه، سخن تاریخ بهار، شماره ۲۵، دوره یازده، ۱۳۹-۱۶۳.
- زندیه، حسن، قنوتی، علی (۱۳۹۳)، بازتاب و پی آمدهای خارجی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، گنجینه اسناد، شماره ۹۳، ۲۲-۳۷.
- سابین، جرج (۱۳۵۲)، تاریخ نظریات سیاسی، ترجمه دکتر بهاء‌الدین بازارگاد، تهران: اقبال سادات بیدگلی سیدمحمود، رضا بیدگلو (۱۳۹۸)، واکنش نیروهای مذهبی به جشن تاج گذاری پهلوی دوم با تأکید بر مواضع امام خمینی (س) پژوهشنامه متین، دوره ۲۱، شماره ۸۵، ۷۳-۸۹.
- سادات بیدگلی، سیدمحمود، مدنی جاوید، مریم (۱۳۹۸)، تغییر مبدا تقویم شمسی از هجری به شاهنشاهی در دوره محمد رضا شاه پهلوی، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۵).
- معزی نیا، ویدا، (۱۳۸۶)، سلطان صاحبقران، یاد ایام، شماره ۳۵.
- نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۱) تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ایران

ب) انگلیسی

Polity Mass.): Cambridge. Power. and Performnce (۲۰۱۱) C. Jeffrey Alexander
, approach developing Politics; Comparative (۱۹۶۶) Powel B. nnd G, Almond,
.Company Brown Little Boston:
University Chicago Chicago: modernizatioa, of politics The (۱۹۶۵) vav id Apter,
.Press
nn iversity Oxford Oxford: Practice. Ritual Theory, Ritual. (۱۲۲۲) Catherine. Bell,
.Press
yy control of Technique The policy; political nnd Dictatorship E.K., Bramstedt,
.۱۶۶-۱۶۵ PP. (۱۹۴۵ Powel, nnd nageK“ London) fear
Wiley John York: New life, political for analysis System (۱۹۶۵) David Easton,
.Sons nnd
New Politics, in Military the of role The horseback; on man (۱۲۶۲) A S.E. Finer,
.Praeger A. Frederick York:
ا) Science Social of Encyclopedia King”, the of Rights eniviD“ C.H., Ilwain, Mc
.۱۷۶ P. ,۲ oo l (۱۹۶۷ Macmillan, York: New oo ls,
۳۱ P. (۱۹۷۱ Macmillnn, London:) Consensus, and Consent H.H, Partridge,
Social of Encyclopedia International , Legitimacy”“, (۱۹۶۸Dolf,(Sternberger,
.۹ oo l Compnny, Macmillan York: New oo ls, ۱۷ Science,

ج) سایت‌ها

پرسمان

تاریخ ایران

jubilees-https://www.royal.uk/history
webster.com/dictionary/jubilee-https://www.merriam
http://tarikhirani.ir/۶۲۸۴fa/news//

استناد به این مقاله: مصفا، نسرین. (۱۴۰۱). مراسم ملی و مشروعیت سیاسی: نگاهی به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله

شاهنشاهی. دولت پژوهی، ۸(۳۰)، DOI: 10.22054/TSSQ.2022.70195.1329



Commons Creative a under licensed is Quarterly SuudiesState Tee
NonCommercial-Attribution 4.0 Licease Internatioaal.

پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی